

تأملی در ماهیت قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران

مهدی متقیان*

تأیید: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

دریافت: ۱۴۰۲/۷/۳۰

و غلامرضا پیوندی**

چکیده

با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، به تدریج اندیشه قانون گذاری مبتنی بر شریعت قوت گرفت. به رغم این، فقدان منظومه فکری مناسب و متقارن جهت پیوند بین قانون و شریعت در بعد تقنینی، مشکلات و ناهمگونی هایی را در عرصه مباحث حقوقی به همراه داشته است و باعث گردیده تا بسیاری از ساختارها و نهادهای موجود، منبعث از شریعت اسلامی نباشد. امری که به نظر می رسد ریشه در عدم تبیین و تعریف صحیح از لوازم قانون گذاری عرفی و شرعی دارد. بر این اساس، موضوع اصلی این پژوهش، بررسی نسبت بین وضعیت قانون گذاری فعلی در نظام حقوقی ایران با قانون گذاری مطلوب و منبعث از شریعت می باشد. در تحقیق حاضر تلاش گردیده با روش توصیفی - تحلیلی، این نسبت سنجی صورت گرفته و راهکار لازم جهت رهیافت به سمت نظام قانون گذاری مطلوب ارائه گردد. نوآوری پژوهش حاضر که کم تر مورد بررسی و دقت قرار گرفته، فهم عدم استقرار صحیح و مطلوب قانون گذاری مبتنی بر شریعت، به واسطه فقدان اتصال بین مرحله کشف و استنباط قوانین شریعت و مرحله برنامه ریزی بر اساس قوانین مکشوفه توسط فقها می باشد.

واژگان کلیدی

قانون گذاری، جمهوری اسلامی، نظام جمهوری اسلامی، شریعت اسلامی، فقه اسلامی

* دانش آموخته حوزه علمیه و کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی: m.mottaghian65@gmail.com

** عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: peyvandi@iiict.ac.ir

مقدمه

از مهم‌ترین مسائلی که در یک نظام سیاسی مطرح می‌گردد، موضوع ماهیت و کیفیت قانون‌گذاری در آن نظام می‌باشد؛ چرا که هر جامعه‌ای بر اساس اهداف و دورنمایی که برای خود ترسیم نموده است، اقدام به وضع قوانین مناسب جهت نیل به آن‌ها می‌نماید. این قانون است که چارچوب حرکت یک جامعه را به سوی اهداف خود تعیین می‌نماید.

قانون‌گذاری در اندیشه اسلامی با قانون‌گذاری در حقوق مدرن متفاوت است. در نظام قانون‌گذاری با روی‌کرد اسلامی، حق قانون‌گذاری بالاصاله و ذاتاً متعلق به خداوند است. نقطه مقابل این دیدگاه، اندیشه‌ای است که یا مبنای جعل و وضع قانون را صرفاً اراده و خواست بشری تلقی نموده و یا ارزش چندانی برای ورود شریعت در حوزه تقنین قائل نمی‌باشد. بر همین مبنا، ایران عصر مشروطه، سر آغاز تقابل بین حاکمیت قانون با مبنای الهی صرف (دیدگاه شرعی‌نگر محض) و حاکمیت قانون بر مبنای حاکمیت تلفیقی الهی - مردمی (دیدگاه شرعی‌نگری توأم با عرفی‌نگری) بود. از طرفی، برخی از نخبگان و روشن‌فکران دینی و سیاسی، راه نجات و سعادت عصر مشروطه را در تمسک به قانون و حاکمیت قواعد حقوقی می‌دانستند و برخی دیگر نیز قانون‌گذاری را صرفاً مختص به ذات خداوند متعال دانسته و حقی برای بشر در جعل قوانین و مقررات قائل نبودند.

به رغم این، با وجود تقابل بین دو اندیشه مشروعه‌خواهی و مشروطه‌خواهی در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عملاً هیچ‌کدام از این نظریات در نظام حقوقی وقت، نفوذ پیدا ننمود، بلکه دیدگاه سوم که تأکید بر حاکمیت قانون‌گذاری بشری می‌نمود، جریان یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام حقوقی ایران و حوزه قانون‌گذاری، تحت تأثیر اندیشه‌های متفکران اسلامی به سمت و سوی حاکمیت شریعت و فقه پیش رفت. امام خمینی¹ از جمله متفکرانی است که اندیشه‌های وی در شکل‌گیری قانون‌گذاری تلفیقی در چارچوب شریعت بسیار مؤثر بوده است. با این

اوصاف، به دلیل وجود ابهامات و فقدان شفافیت در بخش هایی از مبانی نظری در حوزه تقنین، به تدریج، نارسایی و ناهمگونی در بعد شکلی و محتوایی قانون گذاری و خلأهای موجود در سیستم قانون گذاری مطلوب آشکار گردید. نمونه بارز این نارسایی را در اصول ۳۶، ۱۶۷ و ... قانون اساسی می توان ملاحظه نمود که قانون گذار، مخاطب را در برزخ بین حاکمیت اصل قانونی بودن و جواز رجوع به فقه رها نموده و تا به حال، سیاست و سازوکار مشخصی برای این موضوع ارائه ننموده است.

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، همان طور که در اصول متعدد قانون اساسی نیز متبلور می باشد، متأثر از مبانی حاکمیت الهی (دیدگاه شرعی نگری) توأم با توجه ویژه به حاکمیت مردمی (دیدگاه عرفی نگری) می باشد. بر این اساس، موضوع اصلی این نوشتار، تحلیل و بررسی وضعیت فعلی نظام تقنینی ایران و مقایسه آن با نظام تقنینی مطلوب در شریعت اسلام می باشد. فرضیه ما بر این است که طبق اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل چهارم، ابتدای کلیه قوانین باید بر موازین اسلامی باشد. نکته مهمی که در این جا مطرح است، کیفیت و چگونگی تلفیق قوانین با شریعت می باشد. این که تجلی حاکمیت الهی و مردمی در بعد تقنینی و فرایند قانون گذاری چگونه است؟ از همین سو، احاطه و اشراف بر ماهیت تقنینی نظام حقوقی کشورمان نیازمند تحلیل و تعمیق در ماهیت و فرایند قانون گذاری از منظر اسلام می باشد.

تحلیل ماهیت و جریان قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام

در این بخش، ابتدا به بیان ماهیت قانون گذاری و سپس جریان و کیفیت نظام تقنینی در اسلام خواهیم پرداخت.

ماهیت قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام

تاریخ قانون گذاری در اسلام با مهاجرت پیامبر اکرم ۹ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی آغاز گردید. قرآن کریم و فرمایشات، دستورات و سیره پیامبر اکرم ۹ و معصومین : در قالب احادیث به عنوان منبع قانونی مورد استفاده و التزام مردم بوده است. در عصر غیبت نیز فقهای جامع الشرائط با اجتهاد خویش، احکام

اسلامی را از منابع چهارگانه استخراج و استنباط می نمودند. از ابتدای قرن چهارم هجری قمری، با پیدایش حکومت های شیعی، به تدریج، فقه اجتهادی و حاکمیت شرع با تلاش فقهای نامداری از قبیل شیخ مفید، شیخ طوسی و... رونق گرفت. در تاریخ فقه شیعه، فقها تلاش فراوانی را نمودند تا عرصه قانون گذاری، منبعث از احکام شریعت و آموزه های دینی باشد.

فارغ از تاریخ غنی فقه شیعی در بحث قانون گذاری، در باب ماهیت قوانین در نظام و حکومت اسلامی باید گفت قانون گذاری از آن خداست و فقط خداوند متعال، حق تشریع و قانون گذاری دارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی توان به اجرا گذاشت؛ چرا که تنها اوست که حق خالقیت، ربوبیت و حاکمیت بر بشر را دارد و به مصالح و مفسد بشری واقف است. در واقع، در نظام قانون گذاری با رویکرد اسلامی، حق قانون گذاری بالاصاله و ذاتاً متعلق به خداوند است و هر گونه قانون گذاری بشری نیز می بایست به اذن وی باشد؛ چرا که فرض بر این است که قانون تام و کامل و هدفمند، قانونی است که واضع آن شناخت کامل و صحیحی از موضوع داشته باشد و لذا فقط دستورات و فرامین الهی که در قالب شریعت و آموزه های وحیانی تبیین شده است، حائز چنین خصیصه ای می باشند.

حکومت اسلام، حکومت قانون است و مبنای حاکمیت قانون، اراده و حکم الهی است و قانون، فرمان و حکم خداوند متعال است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۵-۴۳). در واقع، یکی از مختصات و شاخصه های بارز در حاکمیت الهی، استقرار و اجرای قوانین الهی در حکومت اسلامی می باشد و حکومت بدون حاکمیت قانون الهی یا حکومتی که مهبط جریان قواعد و قوانین ناقض خواست و اراده الهی می باشد را نمی توان به عنوان حکومت اسلامی تلقی نمود؛ چرا که لازمه تأسیس و ابتدای حکومت بر مدار شریعت اسلام، استقرار و اجرای قوانین شریعت در سطح عمومی جامعه می باشد.

جریان قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام

قانون گذاری و فرایند آن در حکومت دینی و اندیشه اسلامی مبتنی بر سه مرحله می باشد:

مرحله جعل و تشریع

اولین مرحله در بحث قانون گذاری الهی، مرحله جعل و تشریع احکام است. تشریع؛ یعنی جعل و تدوین حکم و قانون گذاری؛ آنچه که توسط باری تعالی تشریع می شود، شریعت نامیده می شود. شریعت و قانون الهی، به معنای آنچه خداوند متعال برای بندگان خود وضع و تشریع کرده است، به عنوان نتیجه تشریع می باشد. این مرحله از قانون گذاری، در انحصار خداوند متعال است و هیچ کسی غیر از او حق جعل و وضع قوانین را ندارد. آیاتی از قبیل: «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ...» (یوسف (۱۲): ۴۰)؛ «ثُمَّ رَدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ إِلَّا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ» (انعام (۶): ۶۲) بر مدعای فوق دلالت می نماید.

دلیل انحصار تشریع در خداوند متعال نیز این است که تنها ذات اقدس الهی است که به عنوان خالق بشر، به نیازها و مصالح و مفاسد وی واقف است و در این زمینه نیز بر خلاف قانون گذاری بشری، هیچ نفعی برای خود قائل نمی باشد. هرچند گروهی بر اساس روایات باب تفویض، معتقد هستند که ولایت تشریعی، به اذن خدا برای پیامبر ۹ و امامان : ثابت است.^۱ به رغم این، به نظر می رسد بین قانون گذاری و تشریع بالأصله و بالذات که متعلق به خداوند متعال می باشد و قانون گذاری بالتبع برای غیر خداوند، باید تفکیک قائل شد و در این بخش فعلاً بحث از تشریع بالأصله مد نظر می باشد.

مرحله تبیین و تفسیر احکام و قوانین

پس از مرحله تشریع و جعل احکام، نوبت به مرحله تبیین و تفسیر احکام و شریعت می رسد که این مرحله اختصاص به پیامبر اکرم ۹ و ائمه معصومین : دارد: «الذِّكْرُ لِبَيِّنٍ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل (۱۶): ۴۴).

پیامبر اکرم ۹ نخستین مفسر قرآن به شمار می رود که وظیفه تفسیر و تبیین آیات قرآن و احکام شریعت برای مسلمانان را عهده دار بوده و پس از ایشان، ائمه معصومین : با این اعتقاد که اصول کلی معارف دین در کتاب خدا و سنت پیامبر ۹ بیان شده است، به تفسیر و تبیین صحیح از آموزه های دینی، بیان مصادیق و جزئیات

احکام شریعت و جلوگیری از انحطاط و انحراف بشری اقدام نموده و نقش مؤثری را در حفظ و بقای تعالیم دین اسلام ایفا نموده‌اند. در واقع، معصومین به واسطه اتصال به منبع وحیانی و درک و فهم دقیق آن، قوانین و قواعد ابلاغ شده توسط ذات اقدس الهی جهت وصول بشر به سعادت را تفسیر و تبیین می‌نمایند.

در این عصر (از زمان رحلت نبی گرامی اسلام ۹ تا پایان غیبت صغری (۳۲۹ ه.ق)، گرچه اهل سنت به واسطه رحلت پیامبر گرامی اسلام ۹ به اجتهاد روی آوردند، لکن امامیه به دلیل حضور ائمه اطهار : به اجتهاد نیازی پیدا ننمودند. البته بودند کسانی که به عللی به آن بزرگواران دسترسی نداشتند، به صورت سطحی و ساده در مسائل اجتهاد می‌کردند.^۲

مرحله قانون‌گذاری فقهی (کشف و استنباط احکام و قوانین شرعی)

پس از ولایت خداوند در تشریع و قانون‌گذاری و ولایت معصومین : در تفسیر و تبیین احکام و قوانین شریعت، بحث قانون‌گذاری و روند آن در عصر غیبت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با نقش‌آفرینی فقها مطرح می‌گردد. بر همین اساس، فقها و مجتهدین در عصر غیبت، وظیفه کشف قوانین و استنباط احکام از منابع شرعی را عهده‌دار می‌باشند.^۳ کشف قوانین و استنباط احکام از منابع آن، فرایندی است که به آن «اجتهاد» اطلاق می‌گردد. در این فرایند، فقها و مجتهدین، قوانین و احکام لازم را از منابع آن (کتاب، سنت، اجماع و عقل) استخراج کرده و در اختیار مردم قرار می‌دهند. در روند اجتهاد، تشریع و قانون‌گذاری رخ نمی‌دهد، بلکه صرفاً، فقها، اقدام به کشف قوانینی می‌نمایند که قبلاً تشریع شده است و فرایند قانون‌گذاری نیز مبتنی بر احکام و قوانین شرعی کشف شده توسط فقها صورت می‌گیرد و لذا این امر (اجتهاد)، نیازمند تخصص و ابزار استنباط می‌باشد.

مرحله قانون‌گذاری به مثابه برنامه‌ریزی جهت پیاده‌سازی احکام و قوانین شریعت

پس از مراحل سه‌گانه تشریع، تبیین و کشف احکام و قوانین شریعت، نوبت به مرحله‌ای در قانون‌گذاری اسلامی می‌رسد که در آن می‌بایست احکام و قوانین الهی با

سازوکاری مناسب در سطوح مختلف جامعه پیاده شود. از این مرحله، به «برنامه‌ریزی» جهت پیاده‌سازی احکام و قوانین شریعت یاد می‌شود. دلیل لزوم وجود چنین مرحله‌ای نیز این است که قوانین تشریع‌شده توسط باری تعالی، ابلاغ و تبیین‌شده توسط معصومین و کشف‌شده توسط فقها، بلاواسطه و مستقیماً و بدون طراحی سازوکار و چارچوب مشخص، قابلیت پیاده‌سازی و اجرایی شدن را ندارند.

انجام این مرحله از فرایند قانون‌گذاری، توسط نهاد قانون‌گذاری بشری؛ یعنی مجلسی متشکل از نمایندگان صورت می‌گیرد. هرچند برخی متکفل این امر را مقام ولایت فقیه می‌دانند (سبحانی، ۱۴۱۷ق(ب)، ص ۳۰). به رغم این، تنافی و تعارضی بین آن دو نیست؛ چرا که اختیار مجلس در امر برنامه‌ریزی نیز بالتبع و تفویض‌شده توسط ولی فقیه می‌باشد. بنابراین، وظیفه مجلس نمایندگان در حکومت اسلامی، صرفاً برنامه‌ریزی جهت پیاده‌سازی و اجرای قوانین شریعت است، نه جعل و قانون‌گذاری مستقیم از منابع شرعی.^۴

تحلیل ماهیت و جریان قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران

پس از تبیین ماهیت قانون‌گذاری در حکومت اسلامی، در این بخش به بررسی ماهیت قانون‌گذاری در نظام حقوقی ایران می‌پردازیم.

شیوه تدوین قانون در چارچوب شریعت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

بیان شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام حقوقی ایران، تحت تأثیر اندیشه‌های متفکران اسلامی، به سمت حاکمیت شریعت و فقه پیش رفت. امام خمینی ۱ از جمله متفکرانی است که اندیشه‌های وی در شکل‌گیری قانون‌گذاری تلفیقی در چارچوب شریعت بسیار مؤثر بوده است. در همین زمینه، ایشان با انتقاد از سبک و سیاق قانون‌گذاری عصر مشروطه چنین بیان می‌دارد:

گاهی وسوسه می‌کنند که احکام اسلام ناقص است... وقتی که می‌خواستند در اوایل مشروطه قانون بنویسند و قانون اساسی را تدوین کنند، مجموعه حقوقی بلژیکی‌ها را از سفارت بلژیک قرض کردند و... قانون اساسی را از

روی آن نوشتند و نقایص آن را از مجموعه‌های حقوقی فرانسه و انگلیس، به اصطلاح «ترمیم» نمودند و برای گول‌زدن ملت، بعضی احکام اسلام را ضمیمه کردند. این مواد قانون اساسی و متمم آن که مربوط به سلطنت و ولایت‌عهدی و امثال آن است، کجا از اسلام است؟ این‌ها همه ضد اسلامی است. ناقض طرز حکومت و احکام اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۶).

در مجموع، نظرات متفکران اسلامی در زمینه لزوم قانون‌گذاری تلفیقی در چارچوب شریعت، منتهی به ابراز و طرح نظریه «قانون‌گذاری به عنوان برنامه‌ریزی جهت پیاده‌سازی احکام و قوانین شریعت» گردید.

نظریه قانون‌گذاری به عنوان برنامه‌ریزی در تقنین

مرحله چهارم از مراحل قانون‌گذاری در اندیشه اسلامی، مرحله برنامه‌ریزی و ایجاد خط مشی، جهت استقرار قوانین شریعت می‌باشد. در واقع، احکام و قوانین کشف‌شده توسط فقها، می‌بایست با سازوکار و ضوابط صحیح و اصولی در جامعه مستقر شوند. چرا که قوانین شریعت، بلاواسطه قابلیت اجرا شدن در جامعه اسلامی را ندارند. وظیفه برنامه‌ریزی و ترسیم خط مشی استقرار قوانین شریعت، بر عهده قوه مقننه می‌باشد.

به رغم این، نباید فراموش کرد که شأن و وظیفه مجلس، رجوع مستقیم به منابع اسلامی و استخراج و جعل قوانین شرعی نمی‌باشد، بلکه وظیفه ایشان صرفاً در ادامه مرحله قبل (یعنی کشف احکام و قوانین توسط فقها)، برنامه‌ریزی بر اساس احکام مستخرج توسط فقها می‌باشد و این موضوعی است که در کلام بنیان‌گذار انقلاب و نیز تدوین‌کنندگان قانون اساسی نیز کاملاً روشن می‌باشد:

... شارع مقدس اسلام، یگانه قدرت مقننه است. هیچ کس حق قانون‌گذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت. به همین سبب، در حکومت اسلامی به جای «مجلس قانون‌گذاری» که یکی از سه دسته حکومت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد، «مجلس برنامه‌ریزی» وجود

دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد(همان، ص ۴۴).

احکام عام الهی از طهارت و حتی دیات از زمینه کاری طرح‌ها و لوایح و مقررات مجلس شورای اسلامی خارج است؛ چرا که این احکام عادتاً به فقیهان به صورت مستقیم مرتبط است(سبحانی، ۱۴۱۷ق(الف)، ص ۲۵۲).^۵

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از نظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی نیز وظیفه قوه مقننه، تشريع و قانون‌گذاری به شکل مصطلح و رایج در نظامات حقوقی نیست، بلکه صرفاً نظم‌بخشی به امورات جامعه و سامان‌دهی آن بر اساس آموزه‌های شریعت می‌باشد. همان چیزی که در اصل چهارم قانون اساسی بر آن تأکید شده است؛ یعنی انطباق کلیه قوانین بر مدار موازین اسلامی. در واقع ماهیت مرحله برنامه‌ریزی و ترسیم خطوط، شبیه به آیین‌نامه‌های اجرایی است که قوه مجریه جهت اجرای قوانین و مقررات تصویب‌شده توسط قوه مقننه وضع می‌نماید. درست است که این اقدام قوه مجریه، جعل و وضع مقررات می‌باشد، لکن به آن قانون‌گذاری اطلاق نمی‌گردد؛ چرا که صرفاً نوعی برنامه‌ریزی برای عملیاتی‌شدن و استقرار مصوبات قوه مقننه می‌باشد (دیرنیا و نقوی، ۱۳۹۷، ش ۱۹، ص ۱۱۶).

نظریه برنامه‌ریزی در تقنین؛ از ایده تا واقعیت؟

در مقابل دیدگاه قائل به شأن برنامه‌ریزی و ترسیم‌کنندگی خطوط کلی برای نهاد تقنینی، برخی از متفکران اسلامی معتقد هستند که اساساً در مرحله بعد از کشف احکام و قوانین شریعت، حکومت اسلامی حتی می‌تواند پا را فراتر از برنامه‌ریزی و ایجاد خط مشی گذاشته و اقدام به قانون‌گذاری نماید.

«شهید صدر» از جمله اندیشمندانی است که قائل به قانون‌گذاری در محدوده‌ای است که از جانب شارع مقدس، حکمی وارد نشده و اصطلاحاً «منطقه الفراغ» است. از دیدگاه شهید صدر، «منطقه الفراغ»، محدوده‌ای است که شامل احکام و قوانین متغیر و غیر ثابت می‌باشد و لذا با توجه به نیازها و مقتضیات و بر اساس موازین شرعی، می‌توان در این محدوده اقدام به قانون‌گذاری نمود.^۶

با در نظر گرفتن دیدگاه نخست (دیدگاه اندیشمندانی به مانند امام خمینی 1 و عمده تدوین کنندگان قانون اساسی) که معتقد بودند ماهیت قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران صرفاً برنامه ریزی و خط مشی برای استقرار احکام و قوانین شریعت است و دیدگاه دوم (دیدگاه متفکرانی به مانند شهید صدر) که قائل به جواز قانون گذاری در محدوده منطقه الفراغ بودند، کارویژه های قوه مقننه را می توان در دو محدوده ذیل تعریف و تبیین نمود: ۱. برنامه ریزی و تعیین خط مشی کلی جهت انجام احکام ثابت و لایتغیر در جامعه؛ ۲. قانون گذاری جهت ساماندهی امورات غیر ثابت و متغیر با توجه به مقتضیات جامعه و در چارچوب شریعت و موازین اسلامی.

به رغم این، آنچه در عمل در حوزه قانون گذاری صورت می گیرد، متفاوت از دیدگاه فوق می باشد و در این زمینه، تفکیک مناسبی بین قانون گذاری در معنای رایج حقوقی و قانون گذاری بر مبنای کارویژه های مستنبط از قانون گذاری مطلوب اسلامی صورت نگرفته است.

... قانون گذاری دو مرحله دارد: ۱. تبیین حکم شرع از کتاب و سنت که این بر عهده فقیهان اسلام است و ۲. تصویب قوانینی در مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی در حدود قوانین شرع که وظیفه نمایندگان محترم است... ۷.

حلقه مفقوده؛ انفکاک بین مرحله سوم و مرحله چهارم قانون گذاری مطلوب

به نظر می رسد حلقه مفقوده در عدم استقرار قانون گذاری مطلوب با اندیشه اسلامی در حوزه تقنینی را باید در فقدان اتصال بین مرحله سوم فرایند (کشف و استنباط احکام و قوانین شریعت) و مرحله چهارم (برنامه ریزی بر اساس قوانین مکشوفه توسط فقها) جست و جو کرد.

در توضیح مطلب فوق باید گفت همان طور که در بخش قانون گذاری از دیدگاه اسلامی گذشت، مرحله برنامه ریزی، فرع بر مرحله استنباط و کشف قوانین می باشد. اما با تأمل در روند قانون گذاری فعلی و نقش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در آن، آنچه حاصل می شود، این است که فقه های شورای نگهبان، صرفاً عهده دار تطبیق

مصوبات مجلس با موازین اسلامی بوده و در این زمینه به عدم مغایرت مصوبات با شرع اکتفا می‌نمایند. روشن است که چنین اختیاراتی نمی‌تواند با اندیشه قانون‌گذاری اسلامی که مبتنی بر اجتهاد حداکثری فقها و برنامه‌ریزی و ریل‌گذاری مجلس شورای اسلامی بر اساس احکام و قوانین مکشوفه می‌باشد، تطابق داشته باشد. در واقع، در روند فعلی قانون‌گذاری، نقش فقهای شورای نگهبان، اجتهادی تطبیقی و از نوع نظارت پسینی و منفعلانه می‌باشد و با اجتهاد تبیینی که مرسوم و رایج در فقه شیعه می‌باشد و در آن فقیه در جست‌وجوی کشف و استنباط احکام و قوانین شریعت است، متفاوت می‌باشد (کعبی، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

ساختار مبهم نظام حقوقی کشورمان بالأخص در حوزه قوانین کیفری که در برزخ بین حاکمیت فقه و قانون، دچار تحیر و سرگردانی شده است، نشأت گرفته از فاصله و رخنه رخ داده بین مرحله سوم (کشف و استنباط قوانین شرعی توسط فقها) و مرحله چهارم (برنامه‌ریزی) از مراحل قانون‌گذاری اسلامی می‌باشد. بنابراین، باید گفت که مسیر و فرایند قانون‌گذاری فعلی در نظام جمهوری اسلامی ایران، با آنچه که مد نظر اندیشمندان اسلامی و اغلب تدوین‌کنندگان قانون اساسی بوده متفاوت می‌باشد. عدم تبیین صحیح و شفاف و نیز فقدان تعبیه سازوکار مناسب جهت پیاده‌سازی نظریه برنامه‌ریزی جهت استقرار احکام و قوانین شریعت و نظریه قانون‌گذاری صرفاً در منطقه‌الفراغ توسط مجلس، باعث گردیده تا در حوزه تقنینی، تقدم قانون‌گذاری بر امر اجتهاد، ظهور و بروز نماید. امری که به نظر می‌رسد با تعیین سازوکارها و چارچوب مناسب و شفاف جهت مداخله شریعت در روند تقنینی، نظام حقوقی کشورمان را به نتایج بهتری رهنمون سازد.

جریان قانون‌گذاری بر مبنای دیدگاه تدوین قانون در چارچوب شریعت

به این نتیجه رسیدیم که نقش مطلوب قوه مقننه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نه «برنامه‌ریزی صرف جهت استقرار احکام و قوانین شریعت» و نه «قانون‌گذاری به معنای رایج در لسان حقوقی و اختیار مطلق در جعل قوانین» است، بلکه ترکیبی از

«برنامه‌ریزی جهت اجرای احکام ثابت و لایتنیر و قانون‌گذاری جهت ساماندهی و ایجاد انضباط در امورات متغیر در چارچوب موازین اسلامی» می‌باشد. بنابراین، با این تبیین، بازیگران عرصه تقنین در نظام حقوقی کشورمان نیز به خوبی روشن می‌گردد.^۸

جایگاه نهاد شورای نگهبان (تجلی نهاد مرجعیت شریعت) در نظام تقنینی

آنچه که با مطالعه قانون اساسی و نیز مشروح مذاکرات تدوین‌کنندگان آن به دست می‌آید، لزوم حاکمیت تام و کامل موازین اسلامی بر کلیه قوانین موضوعه و مدون می‌باشد و این نیز به صراحت در اصل چهارم قانون اساسی که نقطه بارز حاکمیت شریعت در عرصه تقنین می‌باشد، اشاره گردیده است.^۹ از همین باب است که طبق اصل ۱۷۷ قانون اساسی، بحث ابتدای قانون‌گذاری بر مبنای موازین اسلامی از جمله موارد ثابت و تغییرناپذیر محسوب می‌گردد. از طرف دیگر، تضمین مرجعیت شریعت در امر تقنین، در نظام حقوقی کشورمان، بر عهده فقهای شورای نگهبان به عنوان نماینده دیدگاه شرعی‌نگری سپرده شده است.^{۱۰}

حاکمیت قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران برخاسته از اراده بشری در ذیل اراده الهی می‌باشد. حاکمیت الهی و بشری نیز یعنی اسلامیت و جمهوریت. در همین راستا، نهاد شورای نگهبان، وظیفه «صیانت از اسلامیت و جمهوریت» نظام اسلامی را بر عهده دارد. حافظ و پاسدار اسلامیت نظام است. از باب لزوم تطبیق روند «تصویب قوانین» با شریعت و موازین اسلامی و پاسدار ابعاد از جمهوریت نظام، از منظر لزوم تطبیق قوانین با قانون اساسی است. بر همین مبنا، قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی)، برنامه‌ریز و قانون‌گذار در عرصه احکام اولیه و ثانویه، از وجود نهادی به نام شورای نگهبان به مثابه پاسدار و حافظ اجرای شریعت نیز برخوردار می‌باشد و اهمیت و نقش این نهاد به گونه‌ای است که مصوبات مجلس بدون وجود آن، فاقد اعتبار و مشروعیت می‌باشد.^{۱۱}

بنابراین، نقش بی بدیل نهاد شورای نگهبان در عرصه حقوقی و تقنینی کشورمان و

بالا تر از آن، حیات نظام جمهوری اسلامی قابل انکار نمی باشد؛ چرا که شالوده و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت شریعت و سریان احکام اسلامی در ابعاد و حوزه های مختلف جامعه است و در این میان، نهاد شورای نگهبان به عنوان متضمن مرجعیت شریعت، نقش حائز اهمیتی ایفا می نماید.^{۱۲}

در همین راستا، لزوم قانون گذاری مبتنی بر موازین اسلامی و با حاکمیت شریعت، طراحی سازوکار خاص و چارچوب مشخص با مداخلیت فقها به عنوان نماینده دیدگاه شرعی نگری را می طلبد.^{۱۳} فقهای شورای نگهبان به عنوان نماینده دیدگاه شرعی نگری با نظارتی که کاملاً در انحصار ایشان می باشد، بر انطباق مصوبات مجلس با موازین اسلامی نظارت می نمایند:

تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام، منحصرأ در صلاحیت فقهای عظام است که الحمدالله گروهی از آنان در مجلس وجود دارند و چون این یک امر تخصصی است، دخالت وکلای محترم در این اجتهاد و تشخیص احکام شرعی از کتاب و سنت، دخالت در تخصص دیگران بدون داشتن صلاحیت و تخصص لازم است (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۵).

جایگاه مجلس شورای اسلامی (تجلی حاکمیت ملی و عرفی گرایی) در نظام تقنینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران که قانون گذاری بر مبنای دیدگاه تلفیقی صورت می گیرد، مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده عرف و دیدگاه عرفی نگر، متکفل امر برنامه ریزی و تبیین خطوط کلی و قانون گذاری در چارچوب شریعت می باشد:

اختیارات مذکور (اختیارات مجلس در امر قانون گذاری) تشخیص موضوع است که در عرف و شرع به عهده عرف است و مجلس نماینده عرف و نمایندگان خود از عرف هستند و اگر در حکم خلافی شد، نظارت بر آنها هست... (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۱۱).

به عبارت دیگر، تقنین در نظام جمهوری اسلامی به نوعی تطبیق مصادیق جزئی بر احکام شرعی کلی است و حق تشخیص و تطبیق موضوع صرفاً وظیفه مجلس می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۲۵۳).

در همین راستا، در نظام جمهوری اسلامی ایران، مستند به اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی، اعمال قوه مقننه به غیر از موارد خاص، در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است:

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید، برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

این نهاد برخاسته از خواست و اراده مردم، همان‌گونه که در اصل هفتاد و یکم قانون اساسی نیز ذکر گردیده، در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند اقدام به قانون‌گذاری نماید. لکن اختیار مجلس در امر قانون‌گذاری باید با توجه به فلسفه و ماهیت قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی و آنچه که در قانون اساسی در این زمینه ذکر گردیده است، تبیین گردد. بر همین مبنا، صلاحیت قانون‌گذاری مجلس با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌باشد. مهم‌ترین محدودیت و سازوکاری که می‌بایست مجلس در امر قانون‌گذاری در نظر بگیرد، لزوم ابتنای کلیه قوانین بر مدار موازین اسلامی (طبق اصل چهارم قانون اساسی) می‌باشد. محدودیتی از جنس محدودیت‌های مکتبی و مبنایی که به واسطه مبنای الهی و ارزشی حاکمیت قانون، مورد توجه و تأکید قانون‌گذار قرار گرفته است.^{۱۴}

اصل هفتاد و دوم قانون اساسی نیز بر همین اساس، فرایند کلی و مبنایی قانون‌گذاری مجلس را تبیین نموده است:

مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.

جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظام تقنینی

پس از تشکیل مجلس شورای اسلامی، به تدریج اختلافات و تنش‌هایی بین مجلس و شورای نگهبان آشکار گردید. ریشه اصلی این اختلافات نیز تقابل مصالح نظام (احکام ثانویه) با موازین شرعی بود. مصوبات مجلس شورای اسلامی در عمل، به خاطر اعلام مخالفت‌های مکرر شورای نگهبان با شرع و اصرار مجلس بر ضرورت این مصوبات، منجر به بروز تنش و تقابل بین این دو نهاد شده بود.

به همین منظور، امام خمینی 1 در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۶ هجری شمسی با صدور فرمانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام را برای رسیدگی به این قبیل امور تأسیس نمودند.^{۱۵} در بازنگری قانون اساسی ۱۳۶۸/۲/۴، جهت قانونی‌نمودن ساختار مجمع، این نهاد تحت عنوان «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حل معضلات نظام و مشاوره با رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد» در زمره مباحث شورای مذکور قرار گرفت و سرانجام نتیجه کار شورای بازنگری در این خصوص، اصل «۱۱۲» قانون اساسی گردید که مقرر می‌دارد:

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آن ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده به دستور رهبری تشکیل می‌شود....

با این وجود، در مورد نقش و کارکرد قانونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، نکاتی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

نکته اول: مطلب نخست در مورد حیطه اختیار مجمع، در رفع اختلافات بین مجلس و شورای نگهبان است. آیا مجمع، صرفاً می‌بایست نظر یکی از دو نهاد را انتخاب نماید یا بر خلاف ایشان و مستقلاً صلاحیت اظهار نظر دارد؟ در پاسخ باید گفت از آنجایی که بر اساس اصل ۱۱۲ قانون اساسی، مهم‌ترین رسالت مجمع، حل

اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان است، لذا اظهار نظر مجمع نیز می‌بایست در چارچوب نظرات اختلافی دو نهاد فوق باشد.

نکته دوم: مطلب دیگر، نقش مجمع در فرایند قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. آیا اساساً مجمع تشخیص مصلحت نظام، حق ورود به حیطه قانون‌گذاری را دارد یا خیر؟ با دلایلی که بیان خواهد شد، می‌توان به این سؤال پاسخ منفی داد (ملک‌افضلی، ۱۳۸۶، ش ۲، ص ۸۳).

اولاً: صلاحیت قانون‌گذاری مجمع در هیچ‌کدام از اصول قانون اساسی بیان نشده است. ثانیاً: این موضوع (عدم ورود مجمع به حیطه قانون‌گذاری)، در دستور امام خمینی ۱ به شورای بازنگری قانون اساسی در تاریخ ۱۳۶۸/۲/۴ و همچنین رویه عملی ایشان کاملاً مشهود می‌باشد:

مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حل معضلات نظام و مشاوره با رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد...^{۱۶}
ثالثاً: مراجعه به مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی نیز بر عدم صلاحیت مجمع تشخیص مصلحت نظام در امر قانون‌گذاری صحه می‌گذارد.^{۱۷}

نتیجه‌گیری

با بررسی ماهیت و جریان قانون‌گذاری در نظام حقوقی اسلام و نیز نظام جمهوری اسلامی ایران، نکات ذیل به دست می‌آید:

الف) در نظام قانون‌گذاری با روی‌کرد اسلامی، به واسطه شناخت و اشراف کامل خداوند متعال نسبت به انسان، حق قانون‌گذاری بالاصاله و ذاتاً متعلق به خداوند است و بر این اساس، فرایند قانون‌گذاری نیز مبتنی بر چهار مرحله می‌باشد: مرحله جعل و تشریع احکام؛ مرحله تبیین و تفسیر احکام و شریعت؛ مرحله کشف قوانین و استنباط احکام از منابع شرعی و مرحله برنامه‌ریزی جهت پیاده‌سازی احکام و قوانین شریعت.

ب) نظرات متفکران اسلامی در زمینه لزوم قانون‌گذاری تلفیقی در چارچوب شریعت، منتهی به ابراز و طرح نظریه «قانون‌گذاری به عنوان برنامه‌ریزی جهت

پیاده‌سازی احکام و قوانین شریعت» گردید. از نظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی ایران نیز وظیفه قوه مقننه، صرفاً نظم‌بخشی به امورات جامعه و سامان‌دهی آن بر اساس آموزه‌های شریعت می‌باشد و ورود به قانون‌گذاری در عرصه احکام ثابت و لایتغیر، با مذاق ایشان سازگار نمی‌باشد. به رغم این، آنچه در عمل در حوزه قانون‌گذاری در نظام حقوقی کشورمان صورت می‌گیرد، متفاوت از دیدگاه فوق می‌باشد و به نظر می‌رسد، اصلی‌ترین چالش در این زمینه، فقدان اتصال بین مرحله کشف و استنباط قوانین شریعت و مرحله برنامه‌ریزی بر اساس قوانین مکشوفه توسط فقها بوده و عدم شفافیت و فقدان سازوکار مناسب جهت پیاده‌سازی نظریه مذکور باعث گردیده تا در حوزه تقنینی، تقدم قانون‌گذاری بر امر اجتهاد ظهور و بروز نماید.

ج) با وجود اشکالات شکلی و ماهوی، ماهیت قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی هم‌چنان دایرمدار دیدگاه تلفیقی شرعی‌نگری (با مداخلت فقه‌ای شورای نگهبان) و عرفی‌نگری (با مداخلت نمایندگان مجلس شورای اسلامی) می‌باشد. بر این اساس، نقش مطلوب قوه مقننه، ترکیبی از «برنامه‌ریزی جهت اجرای احکام ثابت و لایتغیر و قانون‌گذاری جهت ساماندهی و ایجاد انضباط در امورات متغیر در چارچوب موازین اسلامی» می‌باشد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد با توجه به تبیین ساختار تقنینی ایران و نقش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در آن، اولاً: رسالت این دو نهاد دقیقاً تبیین و مشخص گردد که اگر مجلس، نقش برنامه‌ریزی در احکام اولیه و قانون‌گذاری در احکام ثانویه را ایفا می‌نماید، باید در بُعد برنامه‌ریزی، حلقه اتصال بین تصمیمات مجلس با نقش اجتهاد حداکثری و مقدم بر تقنین روشن گردد و در بُعد قانون‌گذاری نیز با توجه به کارشناسی و تشخیص مصلحت مجلس، از ورود شورای نگهبان به مصادیق و تشخیص موضوعات اجتناب گردد و سازوکار مناسب با هر دو بعد در ساختار حقوقی تعریف گردد. ثانیاً: در قوانین موضوعه نیز باید تکلیف نوع دیدگاه مقنن، در بحث ارتباط قوانین با منابع فقهی صراحتاً روشن گردد و این امر منجر به اتخاذ و پی‌ریزی سیاست کیفری تقنینی یک‌پارچه و مشخص شود.

یادداشت‌ها

۱. جهت تفصیل بیش‌تر، ر.ک: سیدمحمد حیدری خورمیزی، *قانون و قانون‌گذاری در حکومت اسلامی با تأکید بر دیدگاه میرزای نائینی و امام خمینی*، ص ۹۷ و سیدعلی حسینی میلانی، *اثبات الولاية العامة*، ص ۳۱۲-۲۷۲.
۲. جهت تفصیل بیش‌تر، ر.ک: ابوالقاسم گرجی، *تاریخ فقه و فقها*، ص ۱۱۷.
۳. «... ممن قد روی حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا، فلیرضوا به حکما...» (محمد بن حسن، *حر عاملی، وسائل الشیعة*، ج ۱۸، ص ۹۹).
۴. در مورد مرحله چهارم از مراحل قانون‌گذاری در حکومت اسلامی؛ یعنی مرحله برنامه‌ریزی، به این مقدار بسنده می‌گردد؛ چرا که در بخش‌های بعدی تفصیلاً بحث خواهد شد.
۵. جهت تفصیل بیش‌تر، ر.ک: جعفر سبحانی، *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی قانون اساسی*، ص ۵۴۷ و حسینعلی منتظری، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، ج ۳، ص ۱۱۹.
۶. جهت تفصیل بیش‌تر ر.ک: محمد رحمانی، *منطقة الفراغ*، دوره دوم، ش ۵، ص ۲۵۴.
۷. جعفر سبحانی، *خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی*، قابل دسترسی در: <https://www.hawzahnews.com/news/230802>.
۸. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نظام تقنینی از دو رکن عمده تشکیل شده است: مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان. هر چند که نهادهای قانون‌گذاری دیگری نیز بر طبق اصول مختلف قانون اساسی وجود دارد (مجلس خبرگان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی امنیت ملی و...)، لکن به عنوان رکن اصلی، دخیل در امر قانون‌گذاری نمی‌باشند. البته در این میان از نقش مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز نباید غافل ماند که اجمالاً اشاره خواهد شد.
۹. «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد...».
۱۰. اصل ۷۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است». اصل ۹۴ قانون اساسی: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول، از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد...».

۱۱. اصل ۶۹ قانون اساسی: «... مصوبات جلسه غیر علنی در صورتی معتبر است که با حضور شورای نگهبان به تصویب سه چهارم مجموع نمایندگان برسد...». اصل ۹۳ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد، مگر در مورد تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوق دان اعضای شورای نگهبان».

۱۲. جهت تفصیل بیش تر، ر.ک: سیدروح الله خمینی، صحیفه /امام، ج ۱۸، ص ۲۶۴.

۱۳. اصل ۹۱ قانون اساسی: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن ها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می شود: شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز... شش نفر حقوق دان، در رشته های مختلف حقوقی...». اصل ۹۶ قانون اساسی: «تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام با اکثریت فقهای شورای نگهبان و تشخیص عدم تعارض آن ها با قانون اساسی بر عهده اکثریت همه اعضای شورای نگهبان است».

۱۴. «آن قدری که شما اختیار دارید در این مجلس، این است که جمهوری اسلامی را بر طبق موازین اسلامی پیاده کنید؛ البته راجع به امور اداری اش و این ها نظردادن هیچ مانعی ندارد» (همان، ج ۱۰، ص ۲۲۲).

۱۵. جهت تفصیل بیش تر، ر.ک: سیدروح الله خمینی، صحیفه /امام، ج ۲۰، ص ۱۷۶.

۱۶. جهت تفصیل بیش تر، ر.ک: سیدروح الله خمینی، صحیفه /امام، ج ۲۱، ص ۶۱.

۱۷. «ما اعتقادمان بر این است که مجمع تشخیص مصلحت، قانون گذاری نمی کند... امام می گوید در عرض قوای دیگر نباید باشد، قانون گذاری نمی توانند داشته باشند» (اسدالله بیات، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، ص ۸۴۰).

منابع و مأخذ

۱. اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴.
۲. امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، ج ۱۰، ۱۵، ۱۸، ۲۰ و ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ؛ ، ج ۴، ۱۳۸۹.
۳. امام خمینی، سیدروح الله، ولایت فقیه، اصفهان: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ؛ ، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، چ ۹، ۱۳۷۹.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۸، قم: مؤسسه آل البيت : لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۵. حسینی میلانی، سیدعلی، اثبات الولاية العامة، قم: انتشارات الحقایق، ۱۴۳۸ق.
۶. حیدری خورمیزی، سیدمحمد، «قانون و قانون‌گذاری در حکومت اسلامی با تأکید بر دیدگاه میرزای نائینی و امام خمینی ؛»، دو فصلنامه علمی - تخصصی اندیشنامه ولایت، سال سوم، ش ۶، ۱۳۹۶.
۷. دبیرنیا، علیرضا و نقوی، فاطمه‌سادات، «تطبیق فرآیند تقنین در جمهوری اسلامی ایران با نظریه قانون‌گذاری به مثابه برنامه‌ریزی در راستای اجرای قوانین الهی»، دانش حقوق عمومی، ش ۱۹، ۱۳۹۷.
۸. رحمانی، محمد، «منطقة الفراغ»، نقد و نظر، دوره دوم، ش ۵، ۱۳۷۴.
۹. سبحانی، جعفر، الأسماء الثلاثة، الإله و الرب و العباد، قم: مؤسسة الامام صادق 7، ۱۴۱۷ق(ب).
۱۰. سبحانی، جعفر، «التقنين في الحكومة الإسلامية»، كتاب الجتهاد و الحياة: حوار على الورق، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۷ق(الف).
۱۱. سبحانی، جعفر، «تبیین احکام شرعی بر عهده فقه‌است نه مجلس»: <https://www.hawzahnews.com/news/230802>
۱۲. کعبی، عباس، گفتارهایی در حقوق، گفتارهایی در حقوق عمومی اسلامی؛ سیاست‌های کلی نظام، راهکار ارتقای نظام قانون‌گذاری اسلامی، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴.
۱۳. گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهها، تهران: سمت، چ ۱۵، ۱۳۹۵.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۳، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب 7، چ ۲، ۱۴۲۸ق.
۱۵. ملک‌افضلی، محسن، «جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام در فرایند قانون‌گذاری»، حکومت اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲، ۱۳۸۶.
۱۶. منتظری، حسینعلی، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۳، تهران: انتشارات سربابی، چ ۲، ۱۳۷۹.